

## نیاز انسان معاصر به بصیرت از منظر قرآن و تفاسیر

(مجمع البیان، تفسیر کبیر، الکشاف، فی ظلال القرآن، المنار، المیزان، تسنیم)

مستانه چهری<sup>۱</sup>

تهمینه پارسایی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳، صفحه ۶۳ تا ۷۸ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

یکی از گرفتارهای انسان در تمام دوران در انتخاب راه درست از نادرست است هر چقدر انتخاب‌ها صحیح‌تر و با علم آگاهی بیشتری همراه باشد انسان میتواند مسیر سعادت خود را به درستی طی کند. از جمله لوازم اصلی برای تشخیص مسیر درست داشتن بینش و بصیرت نسبت به آن مسیر یا موضوع است. نقش بصیرت در طول تاریخ و در حوادث تاثیرگذار انکارناپذیر است بسیار حاکمان بوده اند که به دلیل بی بصیرت سرنوشت یک قوم را تغییر داده اند. اما در دوران معاصر مشکلات انسان‌ها پیچیده‌تر شده است نقش بصیرت پر رنگ‌تر باید باشد؛ لذا این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی و با مراجعه با آیات قرآن و تفاسیر شاخص از جمله تفسیر تسنیم به بررسی و تحلیل نقش بصیرت در زندگی انسان معاصر خواهد پرداخت؛ در این راستا ابتدا تعریف بصیرت مشخص گردیده است سپس ضرورت و فایده بصیرت را با توجه به آیات و دیدگاه مفسران ارائه شده است سپس راههای کسب بصیرت پرداخته شده است در نهایت اینکه بصیرت موهبتی الهی و از جنس ادراک است که غیر از علم حصولی است و باید با تفکر در آیات خداوندی بدست بیاید و اینکه اگر عامه مردم به مراتبی از آن دست پیدا کنند بسیاری از مشکلات جامعه انسانی حل خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** بصیرت، انسان معاصر، قرآن، تفاسیر، تفسیر تسنیم.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد واحد کرج، کرج، ایران (نویسنده مسئول): mastanehchehri55@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران: ptahminaa@yahoo.com

## مقدمه

دنیای مدرنیته و زندگی امروزه اگر چه از لحاظ رفاهیات در سطح مطلوبی نسبت به گذشته اش قرار دارد اما مشکلات فراوان روحی و عقیدتی با خودش به همراه آورده است؛ هجوم انحرافات عقیدتی و شبهات از طریق رسانه ها بر ذهن مخاطبان از جمله یکی از مشکلات انسان معاصر است. همین عامل سبب شده است که بسیاری از عامه مردم نتوانند راه درست از غیر درست را تشخیص دهند. برای پاسخگویی و یافتن راه درست انسان نیازمند یک نیروی است که بتواند راه درست را از نادرست باز بشناسد و در فتنه ها دچار انحراف و کجی نشود این نیرو همان بصیرت است. بصیرت تنها نیرویی است که انسان همواره در هر عصری بدان نیازمند است مخصوصا در عصر معاصر که چالش ها و فتنه های پیش روی انسان هر روز رنگ تازه تر و پیچیده تری به خود می گیرد؛ لذا در این تحقیق با توجه آیات قرآن و با مراجعه به نظرات مفسران (طبرسی، زمخشری، فخررازی، رشید رضا، علامه طباطبایی، جوادی آملی) ضرورت نیاز انسان معاصر به بصیرت از جنبه فردی آن مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

در مورد موضوع حاضر مقاله ای به صورت مستقیم به رشته تحریر در نیامده است؛ ولی با توجه به کلیات موضوع که پیرامون بصیرت در قرآن است می توان به نوشتارهای زیر اشاره کرد؛ کریمی نیا، شیرپور، انصاری مقدم (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان «مفهوم شناسی واژه بصیرت در قرآن کریم» به مفهوم شناسی بصیرت و جایگاه و اهمیت بصیرت، آثار بصیرت و موانع بصیرت پرداخته است. آنها بصیرت را هم معنای علم در نظر گرفته اند اما نه هر علمی بلکه آن آگاهی و شناخت عمیق و اطمینان بخش است که به انسان درک حقایق پشت پرده حوادث را می دهد به گونه ای که راه حق را از باطل تشخیص می دهد.

برهان (۱۳۹۰ ش) در نوشتار «شاخص ها و مولفه های بصیرت سیاسی»؛ موضوع بصیرت در جنبه سیاسی آن را با توجه به جریان «صلح حدیبیه» که قرآن کریم به آن می پردازد مورد بررسی قرار داده است و هدف از بصیرت عمق بخشیدن به شناختها، راسخ کردن ایمانها، مهار کردن خواهش های نفسانی و تشخیص مصداق حق، برای تحقق بخشیدن به آرمان همه انسانها؛ یعنی برپایی حکومت

عدل گستر است در نهایت مؤلفه‌های بصیرت شناخت یقینی، ایمان و باور قلبی، مهار گرایش‌های منفی و تشخیص مصداق حق معرفی می کند.

شاکر، ابوالقاسم (۱۳۸۸) با موضوع «بصیرت دینی و راه‌های کسب آن» بصیرت را معادل نور حق و دیدن باطن در نظر گرفته است ایشان معتقد است راه دین و دینداری راهی است که با بصیرت و بینایی پیموده می شود و دعوت پیام آوران الهی بر مبنای بصیرت و بینایی بوده است و آنان هرگز مردم را به پیروی کورکورانه و اطاعت غیرحکیمانه فرانخوانده اند. اگر کسی از بینش و بصیرت دینی برخوردار شد، همه حرکت‌ها و اقداماتش ارزشمند و ثمربخش خواهد شد.

### ۱. تعریف لغوی و اصطلاحی بصیرت

بصیرت از ریشه بصر به معنای نوعی که می بیند (چشم و دیده) بصر نیروی بینائی چشم و بصیرت قدرت ادراک دل است، مانند آیه فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدًا (ق/۲۲) (یعنی تیز بینی، و نیروی بینائی) و آیه (مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ) (نجم/۱۷) دل و دیده خیره و منحرف از درک و دیدن نشد. جمع بَصْر - أَبْصَار است و جمع بصیره - بصائر است، خدای تعالی گوید (فَمَا أُغْنِي عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ) (احقاف/۲۶). (مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص: ۲۷۶) بصیرت معانی زیادی دارد یکی عقیده قلبی و معرفت ثابت با یقین یا یقین در چیزی با علم و عبرت و مشاهده یا شهید ثابت شده یا حجت یا زیرکی یا نیرویی که به وسیله آن حقایق علمی درک می شود (تفسیر المنار، ج ۷، ص ۶۵۷) بصائر جمع بصیرت و آن ادراک عقلی است مانند بصر در ادراک حسی و بر معرفت یقینی اطلاق دارد همچنین بر دلایل عقلی و علمی نیز اطلاق می شود (تفسیر المنار، ج ۸، ص: ۲۷۶-۲۵۷) همچنین فخر رازی می گوید: بصیرت اسمی برای ادراک کامل حاصل در قلب است همانطور که خداوند می فرماید: بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (القیامه: ۱۴) یعنی کسی که به خودش معرفت کامل دارد (التفسیر الکبیر، ج ۱۳، ص ۱۰۴) کلمه بصائر جمع بصیرت است که به معنای وسیله دیدن است، و گویا مراد از بصائر حجت‌ها و ادله روشنی است که بوسیله آنها حق دیده می شود، و میان حق و باطل تمیز داده می شود، و جمله بصائر للناس (حال از کتاب است، و بعضی گفته اند: مفعول له است، (که در معنا بصائر الناس خواهد بود) (تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۶۹)

علامه جوادی آملی با توجه به روایتی از امام صادق (ع) که می فرماید: « قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ » لیس یعنی بصر العیون . « فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ » لیس یعنی من البصر بعینه . « وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا » لیس یعنی عمی العیون ؛ إِنَّمَا عَنِ إِحْاطَةِ الْوَهْمِ ، كما يقال : فلانٌ بصیر بالشعر و فلانٌ بصیر بالفقه و فلانٌ بصیر بالدراهم و فلانٌ بصیر بالثیاب . الله أعظم من أن يُرى بالعین » بصیرت را این چنین تعریف می کند: بصیرت ، ادراک درونی است و دارای مراتب ، که تنوع مراتب آن گاهی به لحاظ ادراک صحیح وهم ، خیال و عقل است و زمانی به لحاظ نوع ادراک حصولی و حضوری است که یکی با مفهوم ذهنی و دیگری با عین خارجی همراه است (تسنیم، ج ۲۶ ، ص ۵۰۲) انسان « بصیر » کسی را گویند که بینش درونی دارد؛ در مقابل « کوردل » که چشم سرّ دارد؛ اما نمی بیند ، چون چشم سرّش نابیناست : « لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ » ۳؛ « وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا » (تسنیم، ج ۴۱ ، ص ۴۷۷) البته ایشان معتقدند که بصیرت را باید با توجه به صاحبان آن تعریف کرد مثلاً مراد از بصیرت در حوزه عالمان دینی ، تنها عالم بودن نیست ، بلکه عالم عامل و خداترس بودن معیار است ، (تسنیم، ج ۴۱ ، ص ۴۶۷)

بصیرت می تواند معادل های مختلفی در حوزه دین اسلام داشته باشد؛ یکی از الفاظ قرآنی که بر بصیرت دلالت دارد لفظ «بینه» است؛ مراد از «بینه» ، بصیرت درونی و روشن بینی قلب است ، چنان که حضرت امیر مؤمنان ( علیه السلام ) فرمود : « إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي » و گاهی به بعضی از کارگزارانش که بیراهه می رفته ، اعتراض فرمود که گویا بینه الهی در دلت روشن نیست و بی بینه کار می کنی : « كَأَنَّكَ لَمْ تَكُنْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ » (تسنیم، ج ۳۸ ، ص ۵۳) رشید رضا معتقد است که «بینه» در آیه «قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ»؛ نور بصیرت فطری و حجت عقلی است که انسان به وسیله آن حق و باطل را تشخیص می دهد(تفسیر المنار، ج ۱۲، ص ۵۱) و گاه بصیرت همان فطرت انسانی است در درون هر شخص برابر آفرینش اصلی و به عطا و موهبت الهی : « وَ مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ » نعمت بصیرت الهی و نور فطرت هست و خدای سبحان به همگان آن را می بخشد؛ لیکن اگر به این داده های الهی بها دهند و عمل کنند ، پایدار می ماند و افزوده می شود (تسنیم، ج ۳۸ ، ص ۵۴) با این توضیح بصیرت موهبتی الهی محسوب می شود علامه جوادی آملی در این رابطه می گوید: وگرنه چشم دلشان را کور(منکران) می کند و نیروی ادراک را از آنان می

گیرد و چهره جانیشان را محو می کند؛ در این هنگام، حق را به صورت باطل و باطل را به شکل حق می بینند و آنچه را باید پشت سر بگذارند و رها کنند، به آن رو می آورند و آنچه را باید به آن رو آورند، رها می کنند و پشت سر می گذارند و به سرعت به سوی باطل حرکت می کنند، در نتیجه هر چه به پیش می روند از حق دورتر می شوند، زیرا کسی که آیات الهی را پشت سر می اندازد: « فَبَدَّوْهُ وِرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا » در مقابل او کفر قرار می گیرد: (تسنیم، ج ۱۹، ص ۱۰۰)

گاه نیز معادل نور است بصیرت نور قلبی است (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ۵۵، بصیرت چون بصر برای دیدن نیازمند نور است (تفسیر صدرالمتالهین، ج ۴، ص ۲۹۶) با این تفاوت که نور بصیرت، متفاوت از نور ظاهری است و به «نور الله» یا «نور حق» و همچنین «نور تجلی»، «نور الهام»، «نور وحی» و «نور کشف» نامیده شده است (جامع الاسرار، ص ۵۱۰) بر همین اساس دانشمندان مسلمان گاه از بصیرت به نور الهی اشاره شده در قرآن تعبیر می کنند که بر قلب مؤمن می تابد (تفسیر صدرالمتالهین، ج ۲، ص ۳۳۲) «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ» (زمر / ۳۹، ۲۲) خداوند هر که را بخواهد به سوی نور خود هدایت کرده، چشم دلش را به نور معرفت خود روشن می کند که این، سعادت جاودان را برای او در پی دارد: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ». (تفسیر صدرالمتالهین، ج ۲، ص ۳۳۲) علامه جوادی آملی نیز معتقد است که بصیرت نوعی نور درونی یا هدایت تکوینی است که اگر انسان بدان دست پیدا کرد دیگر گناه نمی کند (تسنیم، ج ۱، ص ۴۶۲) همچنین از بصیرت با عنوان ادراک قلبی یا رؤیت اخفاتی یاد می شود (تسنیم، ج ۴، ص ۴۸۹) گاه نیز نگاه غیر حسی همان بصیرت است «يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ» (تسنیم، ج ۶، ص ۳۰) همچنین بصیرت معادل حکمت است؛ از نحوه توییخ ستمگران در آیه ۴۶ حج نیز چنین استنتاج می شود که بصیرت، معرفت و حکمت اکتسابی است، همان گونه که در آیات فراوانی تعبیر «اولی الأبصار» به معنای صاحبان بینش با عبرت پذیری و دقت همراه شده است. (آل عمران /

۱۳؛ نور/ ۴۴؛ حشر/ ۲) آیت الله جوادی آملی با توجه به حدیثی از امام علی (ع) بصیرت را از شئون عقل نظری می داند و در این رابطه می گوید: هرچند بصیرت از شئون عقل نظری و در حوزه اندیشه است، ثمره حکمت عملی که با براهین علمی ثابت می شود، بر عهده عقل عملی است و در قلمرو انگیزه، از این رو در حدیث مذکور کسی به عنوان بصیر معرفی شد که سالک کوی وصال بوده و از ضلال پرهیزد و از معاشرت غاویان دوری جوید و هیچ تبهکاری را بر خویشان مسلط نکند (تسنیم، ج ۲۶، ص ۵۰۳) فخر رازی نیز معتقد بصیرت معادل نیروی عقل است (التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۸۰) هرگاه چیزی مجهول محض بماند شبیه کور شده می باشد زیرا علم نور بصیرت باطن است (التفسیر الکبیر، ج ۱۷، ص ۳۳۸)

## ۲. کارکرد بصیرت در قرآن

مشتقات این ماده، در قرآن بسیار به کار رفته است؛ نظیر: بَصَرَ و جمع آن ابصار، به معنای چشم یا قوه بینایی (نحل / ۷۷؛ احزاب / ۱۰؛ ق / ۲۲؛ نجم / ۱۷؛ احقاف / ۲۶؛ انعام / ۱۰۳؛ ص / ۴۵؛ ملک / ۴)، ترکیب «اولی الابصار» به معنای صاحبان بینش و پندگیری (آل عمران / ۱۳؛ نور / ۴۴؛ حشر / ۲)، بصیر به معنای آگاه یا بینا (اسراء / ۱۷؛ فاطر / ۱۹)، مبصر به معنای روشنائی دهنده (یونس / ۶۷؛ نمل / ۸۶؛ غافر / ۶۱) و بینا (اعراف / ۲۰۱) مبصره به معنای آشکار کننده و روشنی ده (نمل / ۲۷، ۱۳؛ اسراء / ۱۷، ۱۲، ۵۹)، مستبصر به معنای تمیز دهنده حق از باطل یا طالب بصیرت و آگاهی (عنکبوت / ۳۸)، تبصره به معنای یادآور و بینش ده (ق / ۵۸) و بصیرت. (یوسف / ۱۰۸؛ قیامت / ۱۴) صورت فعلی این ماده نیز در قرآن، هم به صورت مجرد (بَصْرًا) و هم مزید (ابصَرَ، يُبصِرُونَ) به کار رفته است. گفته شده که گونه مجرد، بیشتر در مواردی به کار رفته که نگاه ظاهری با بینش باطنی همراه بوده است (دایره المعارف قرآن کریم، ج ۵، ص: ۵۷۴)

---

۳- عن أمير المؤمنين (عليه السلام) : « فإنما البصير من سمع فتنفكر و نظر فأبصر و انتفع بالعبر ، ثم سلك جنداً واضحاً يتجنب فيه الصرعة في المهاوى و الضلال في المغاوى ؛ و لا يعين على نفسه الغواية بتعسف في حق أو تحريف في نطق أو تخوف من صدق . »

### ۳. ضرورت و فایده بصیرت

بصیرت انچنان مهم است که هدایت تشریحی. آشنایی با معارف دین به تنهایی نمی تواند انسان را به مقصد برساند بلکه در این راه به نور درونی یا همان بصیرت نیاز است (تسنیم، ج ۱، ص ۴۶۰) ابراهیم بت شکن، صاحب دست است و یعقوب حتی در مقطع زمانی نابینایی، بصیر. کسی که دست بت شکن ندارد و باطن عالم را نمی بیند، در واقع، بی دست و بی بصیرت است. دست داشتن و نداشتن، بصیر و اعما بودن در فرهنگ قرآن کریم معنای خاص خود را دارد و به اخلاص مرتبط است (تسنیم، ج ۴۰، ص ۱۵۸)

علامه طبرسی ذیل آیه « إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (بقره/ ۱۱۰) بصیرت را یکی از ویژگی های خداوند می داند: خداوند اعمال شما را می بیند. و چیزی از اعمال شما بر او پوشیده نیست و در آتیه پاداش نیکها و کیفر زشتکاریهای شما را خواهد داد پس هنگام ارتکاب اعمال خویشتن را نسبت بجزا و پاداش و کیفر متیقن به بینید و بدانید کسی متصلی این کار خواهد شد که هیچ عملی از دیده بصیرت او پوشیده نیست. و این جمله- بطور غیر مستقیم- دلالت بر وعد و عید و امر و زجر دارد و اگر چه- بحسب ظاهر لفظ- اخبار از معنای دیگر است (مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۱۴)

بصیرت آنقدر مهم است که دعوت انبیاء با تمام اشکال آن باید از روی بصیرت باشد زیرا هرگاه دعوت از روی بصیرت باشد با بیان و بلاغ مبین و روش بسیار روشن و مستدل است و هیچ گونه لغز، معما، ابهام و تیرگی در آن وجود ندارد، با توجه به اینکه استعدادها یکسان نیست (تسنیم، ج ۸، ص ۵۹۳)

رشید رضا ذیل آیه « أَمْ مَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ » اشاره می کند که پیامبر (ص) با حجت و بصیرتی که از جانب خداوند دریافت کرده است در هر چیزی حق را بر حسب کار کردی که دارد تبیین می کند مانند برهان در عقلیات نصوص در نقلیات و خوارق در الهیات و تجارب در حسیات و شهادت در قضائیات و استقرار در اثبات کلیات (تفسیر المنار، ج ۱۲، ص ۵۰) با این توضیح بصیرت یک امر مهم و کاربردی است. وجود بصیرت امری لازم و ضروری هر انسانی است؛ اگر بعضی فقها درباره لزوم بینایی قاضی بیرونی اختلاف داشته باشند، درباره قاضی درونی هرگز نمی توان اختلاف کرد. قاضی درونی یعنی فکر و عقل حتماً باید بصیر باشد چنانچه انسان ربوبیت الهی را یادآور باشد،

وظیفه شناس می شود و می فهمد که باید برای حل مشکل فرد و جامعه به خدا پناه ببرد و به او تکیه کند ، چون خود خدا فرمود اگر در مشکلات « یا الله » بگویید ، ما دید و بصیرتی به شما می دهیم که از منظر ما اشیا را ببینید (تسنیم، ج ۳۱ ، ص ۶۱۸) طبرسی صاحب بصیرت را کسی می داند ، در دینش ثابت قدم تر و در اعتقادش قویتر و همیشگی تر از آنانی است که در باره دین بصیرتی نداشته باشند( ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۲۲)

بصیرت امری همگانی است و به مخصوص گروه مشخصی نیست همان گونه که پیامبران الهی ( علیهم السلام ) با بصیرت و حیانی و شهودی ( علم شهودی ) و خطاناپذیر و عالمان دینی با اجتهاد و تحقیق خطاپذیر و بصیرت و بینش علمی و تحقیقاتی ( علم حصولی ) مردم را به خدا فرا می خوانند : « أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي » توده مردم نیز باید اهل تحقیق بوده و بصیرانه رهبرانشان را برگزینند و هدایت هایشان را بپذیرند : « لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِّي وَبِئْسَ مَا كَانُ يَوْمَئِذٍ » و انتخاب کورکورانه مجاز نیست(تسنیم، ج ۴۱ ، ص ۴۸۲) زیرا جامعه ای که مردمش بصیر نباشند ، رو به صلاح و فلاح نمی رود . مقلد در تقلیدش باید محقق باشد و بررسی کند و اطمینان یابد که رهبر الهی و عالم دینی ، با بصیرت جامعه را دعوت می کند ، پس بصیر نبودن مردم ، نارواست و محکوم؛ خواه سبب تبعیت کور از رهبران طالح شود؛ یا سبب نپذیرفتن دعوت با بینه رهبران صالح : « قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَءَاتَنِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنزَلْنَا مُكْمُوهُمَا وَآتَمَّ لَهَا كَرِهُونَ » (تسنیم، ج ۴۱ ، ص ۴۸۳) بر پایه آیات قرآن مردم دو گروه اند : محقق و راهنما و مقلد و رهرو؛ و هر دو گروه باید بصیر باشند؛ نه راهنمایان مجازند که بی برهان عقلی و نقلی مردم را دعوت کنند؛ نه رهروان می توانند بی حجت الهی از کسی پیروی کنند؛ ناگزیر نظام دین باید بر پایه بصیرت باشد (تسنیم، ج ۴۱، ص ۴۸۵) بصیرت امری است که باعث تمایز بین انسان و حیوان می گردد « أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ » اگر بصیرت نباشد ای پیامبر همانطور که کور را به دلایل نداشتن ادراک حسی قادر به هدایت نیستی برخی را هم به دلیل نداشتن بصیرت عقلی قادر به هدایت نیستی(کفار) (تفسیر المنار، ج ۱۱ ، ص ۳۸۳)

آنان که از چشم عبرت و بصیرت بهره برده اند؛ توجهی به دنیا و لذات فانی آن ندارند و آن را با آخرت و قرب خداوند معاوضه می کنند. پارسایان هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند به



سرعت متذکر می‌شوند، حقیقت را با نور بصیرت درمی‌یابند و از دام وسوسه‌های شیاطین رهایی می‌یابند «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ». (اعراف / ۲۰۱) (صفوة التفاسیر، ج ۱، ص ۴۸۹) رشید رضا اهل بصیرت را انسانهایی عاقلی می‌داند که بعد از اندیشیدن در حقیقت کارها از عواقب آنها پند می‌گیرند (تفسیر المنار، ج ۷، ص ۱۲۴) عَوَجاً از جمله تعبیری است در مورد انحرافات پنهان عقیدتی بکار رفته است یعنی از حالت راستی و عمودی به حالت کژی و خمیدگی متمایل شدن است. عَوَج، کژی محسوسی است که به آسانی با چشم دیده می‌شود؛ مانند خمیده شدن چوب راست. عَوَج در انحرافی به کار می‌رود که تنها با اندیشه و بصیرت فهمیده می‌شود؛ مانند انحراف در دین (تسنیم، ج ۱۵، ص ۱۸۰) یکی از فواید بصیرت علم آفرینی است همچنان که خداوند ذیل عبارت «أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (قصص / ۷۲) می‌فرماید: آیا از راه بصیرت علم پیدا نمی‌کنید؟ (تفسیر مجمع البیان، ج ۱۸، ص ۲۲۹)

همچنین بصیرت سبب می‌شود مومن هم در دنیا نورانی باشد و هم در آخرت: مؤمنان و صالحانی که از نور هدایت تکوینی بهره مند شدند، هم در دنیا نورانی هستند و هم در آخرت؛ قرآن کریم درباره دنیایشان می‌فرماید: «وجعلنا له نوراً یمشی به فی النَّاسِ» «و کذلک أوحینا إلیک روحاً من أمرنا ما کنت تدری ما الکتاب ولا الإیمان ولكن جعلناه نوراً نهدی به من نشاء من عبادنا» (تسنیم، ج ۱، ص ۴۶۲) بصیرت سبب می‌شود مؤمن با این نور هم خود به خوبی می‌بیند و هم به جامعه انسانی بینش می‌دهد. درباره آخرت آنان نیز می‌فرماید: «نورهم یسعی بین أیدیهم وبأیمانهم»؛ نور مؤمنان بهشتی هم پیشاپیش آنان می‌دود و هم اطرافشان را روشن می‌کند (تسنیم، ج ۱، ص ۴۶۲)

انسان بصیر می‌تواند با قدرتی که دارد تجسم اعمال را در همین دنیا ببیند زیرا هر گناهی صورتی خاص و واقعی دارد که صاحبان بصیرت، چهره حقیقی آن را می‌بینند، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در معراج دیدند برخی گناهکاران آتش می‌خورند و بعضی به شکل حیوانات اند و عده ای به انواع عذاب های دیگر گرفتارند. این صحنه ها حقایقی بود که به پیامبر نشان داده شد نه صورت سازی یا تخیل، بلکه حقایقی بود در حال وقوع، بنابراین گناهکار واقعاً آلوده است، هرچند از آلودگی و آتشخواری خود بی خبر باشد، از این رو به فرموده امیر مؤمنان (علیه السلام) باید با استغفار، خود را معطر کنید تا بوی بد گناه، شما را رسوا نکند: تعطروا بالاستغفار لا تفضحکم روائح

الذنوب. بوی بد گناه را کسانی استشمام و ادراک می کنند که حواس باطنی دارند و چنین ادراکی با علوم عادی و مدرسه ای به دست نمی آید (تسنیم، ج ۱۷، ص ۴۷۹) اگر انسان به بصیرت دست یابد می تواند از روی چهره درونیات انسانها را نیز مشاهده کرد؛ « وَ لَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ » همانطور که حضرت خدیجه با بصیرتی که داشتند توانست بفهمد که پیامبر انسا صادقی است تمام اموالش را در اختیار او قرار داد و با او ازدواج کرد (تفسیر المنار، ج ۹، ص ۵۳۲) بصیرت نیز یکی از عوامل یاد خداست؛ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (تسنیم، ج ۳۱، ص ۶۱۸) چنانچه هر که بصیرت الهی از درون، همفکران و همراهان نیک و کتابی از پیش را که امام و رحمت و مؤید اوست، داشته باشد، ایمان کاملی می آورد: « أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ » (تسنیم، ج ۳۸، ص ۶۴) انسان با بصیرت بر اساس آیات قرآن « فَمَنْ أُبْصِرَ » (انعام/۱۰۴) حق جو و صاحب حق می شود (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۵۵) انسان، ضعیف و محدودنگر است؛ اگر دوستدار چیزی شود، فقط خوبی های آن را می بیند: حَبِكَ لِلشَّيْءِ يَعْصِمُ، چنان که در حالت دشمنی تنها بدی های آن را می بیند، از این رو می کوشد تمام کارهای محبوب خود را توجیه و همه کارهای فرد مبعوض و منفورش را بر فساد حمل کند. به هر روی، علاقه زیاد یا تنفر شدید، قاضی درون را کور می کند و بیشتر مردم بر اثر حبّ و بغض نامتعادل گرفتار کوری درونی اند و انسان کورباطن حق ندارد حکم کند، همان گونه که قاضی کور حق ندارد داوری کند، بلکه باید بصیر باشد تا بتواند جرم را ببیند و مجرم را بشناسد: و فی انعقاد قضاء الأعمى تردّد؛ أظهره أنه لا یعتقد، لافتقاره إلى التمییز بین الخصوم و تعذر ذلك مع العمی إلا فیما یقلّ. و قد یذكر شروط أخر... و النطق و البصر و السمع (تسنیم، ج ۲۳، ص ۳۳۸) همچنین انسانها به دلیل رعایت تقوا ملکه از علم و حکمت کسب می کنند که به وسیله آن بین حق و باطل تشخیص می دهد و بین نفع و ضرر تفصیل قرار می دهد و بین نور و ظلمت تمیز قائل شود و بین حجه و شبهه بتوان انتخاب کند این فرقان همان طور که برخی از مفسران گذشته گفته اند همان نور بصیرت است (تفسیر المنار، ج ۹، ص ۶۴۸)

#### ۴. راه بدست آوردن بصیرت

از نظر قرآن برای بدست آوردن بصیرت راههای مختلفی وجود دارد؛ که در سرتا سر عالم این نشانه ها وجود دارد فقط لازم است انسان با همان قدرت بصیرت ابتدایی که خداوند در وجود انسان

قرار داده آنها را کسب کند؛ علامه طباطبایی ذیل عبارت «كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» به این مسئله اشاره دارد و میگوید: و بعید هم نیست که کلمه " کذلک " اشاره باشد به خود آمدن باران و به راه افتادن سیل و به ذوب کردن فلزات و کف آن دو، و خلاصه اشاره به خود این حوادث خارجی باشد، نه به گفتن آنها، و در نتیجه دلالت کند بر اینکه این گونه وقایع و حوادثی که در عالم شهادت رخ می دهد مثلهائست که صاحبان خرد و بصیرت را به حقایق عالم غیب رهنمون می کند، همانطور که خود موجودات، این عالم آیاتست که به آنچه در عالم غیب است دلالت می کند، و ذکرش مکرر در قرآن کریم آمده. و این خود روشن است که میان مثل بودن این مشهودات و یا آیت بودن آنها فرق بسیاری نیست. ( تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۴۶۱) از سوی خدای سبحان بصیرتها، یعنی علل و عوامل بینایی و روشنایی دل، آمده است؛ اگر کسی به دیده بصیرت به آنها بنگردد به سود خود او و هر کس از سر بصیرت به آنها ننگردد به زیان خود اوست: « قد جاءكم بصائرٌ من ربكم فمن أبصر فلنفسه ومن عمى فعليها وما أنا عليكم بحفيظ ) تسنیم، ج ۷، ص ۱۲۳

از نظر علامه جوادی آملی بصیرت از طریق علم حصولی بدست نمی آید زیرا بسیاری از منحرفان نیز از علوم حصولی بهره مندند ( تسنیم، ج ۱، ص ۴۶۲) همچنین عنایت حق تعالی و هدایت خاص خداوند می تواند بالاترین مرتبه بصیرت را به انسان بدهد؛ هدایت در « كَلَّا هَدَيْنَا وَ نوحًا هَدَيْنَا » که خدا با امتنان و تکریم از آن یاد کرده و در پایان نیز آن را جزای احسان همه نیکوکاران نهاده است ، هدایت خاص و عنایت ویژه الهی است که به پاداش پذیرش هدایت تشریحی و ایمان و عمل صالح ، به بندگان خوب خود داده و خواهد داد . در پرتو هدایت خاص ، انبیا و پیروان نیک کردار آنان در عرصه عقل نظری و شناخت هستی ، از بینش خاص و بصیرت دل برخوردار می شوند و به آسانی ، حقایق هستی را چنان که هست ادراک یا مشاهده می کنند و معارف بلند الهی را می آموزند و به مشاهده ملکوت هستی و حقیقت اشیا - که درخواست پیامبر اکرم ( صلی الله علیه و آله و سلم ) از پیشگاه پروردگار بود : « اللهم! أرنا الحقائق كما هي » در حد ظرفیت و لیاقت خود نایل می شوند ( تسنیم، ج ۲۶، ص ۲۲۱)

یکی از راهها کسب بصیرت از نظر قرآن تفکر و عبرت است گاه آنان را به بینش و دقت در وجود خود؛ «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات / ۲۱) و پدیده های محیط اطراف سفارش می کند:

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا ... أَفَلَا يُبْصِرُونَ» (سجده / ۲۷) و گاه آنان را از سرنوشت گذشتگان زنهار می دهد و به عبرت گیری از آنها فرا می خواند: «وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ». (آل عمران / ۱۳ و نیز نک: حشر / ۵۹) طبرسی ذیل آیه؛ وَ يَهْدِيكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ (نساء / ۲۶)؛ به این مسئله اشاره دارد؛ ۱- خداوند می خواهد شما را به راه گذشتگان که اهل حق بوده اند هدایت کند تا بایشان اقتدا کنید و آثار آنها را پیروی کنید که صلاح شما در آن است. ۲- خداوند می خواهد سنت گذشتگانی که اهل حق و باطل بوده اند برای شما روشن سازد تا به روش آنها بصیرت پیدا کنید و از طریقه آنها اجتناب نمایید. (تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۱۰)

همچنین غذای حلال نیز باعث بصیرت می شود؛ غذای حلال دل را نورانی می کند و بر بصیرت می افزاید و تلاش بیشتر انسان در راه عبادت و بندگی را سبب می شود، بر این اساس، خداوند سبحان در قرآن از حرامخواری که به عدم پذیرش روزه منجر می شود نهی فرموده است (تسنیم، ج ۹، ص ۵۰۱) یکی دیگر از راههای کسب بصیرت پیروی راستین از پیامبر است؛ این بصیرت و تشخیص سخن راست و دروغ، با پیروی راستین از پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) به دست می آید و به علم تفصیلی حوزوی و دانشگاهی نیازی نیست، چنان که اصلاح جامعه، به تربیت دینی مردم است که با عمل به دستورهای عملی به دست می آید و این کار از همگان ساخته است (تسنیم، ج ۴۱، ص ۴۷۹) همین داشتن بصیرت است که پیروی کردن از رسول را بر مردم واجب می سازد همانطور که افراد کور مجبورند به راهنمایی و دستگیری بینایان راه بروند و هر جا آنها رفتند قدم بگذارند، و مجوز اینکه رسول، مردم خود را دعوت به پیروی از خود می کند نیز همین است. (تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۳۱۴)

همچنین انسان با مراجعه به قرآن و بهره گیری از براهین قرآنی می تواند به بصیرت دست یابد زیرا همه براهین قرآنی، بصیرت و بینه اند. اگر کسی عالمانه آن ها را دریابد و از حدس و گمان، بنای عقلا و فهم عرف و اعتبار فراتر رود و از روی یقین پیام این براهین را بفهمد و افزون بر این، یقین خود را با ایمان و عمل صالح همراه سازد، به درستی بینا شده است. براهین متعدد قرآن، همه «بصائر» خدادادی اند؛ خواه برهان های مختلف که با حد وسط های گوناگون از یکدیگر متمایز

می شوند؛ یا تقریب های مختلف. (تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۹۴) مثلاً می توان برای اثبات ربوبیت حق - تعالی - از برهان نظم بهره گرفت و به جلوه های مختلف آن تمسک جست؛ مانند «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَىِّ»، «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»، «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ» یا «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ» ولی این ها تقریب های متعدد از یک برهان اند. راز این گونه تقریب های گوناگون از یک برهان آن است که سطح اندیشه و بصیرت انسان ها متفاوت است و هر گروهی با بصیرت خاص خود به مقصد می رسد. بصیرت کشاورزان، دامداران، صحرانوردان، دریانوردان، ریاضیدانان و... با هم یکسان نیست. به همین دلیل قرآن کریم که هدایت برای همه مردم است: «هُدًى لِلنَّاسِ» با این روش همه گروه ها را به سر خوان معارف الهی فرا می خواند و گاه در محدوده نظام کشاورزی از بارش برف و باران، رویش گیاهان، اختلاف میوه های رنگارنگ با طعم ها و خواص گوناگون که همه از یک زمین، آب و هوا بهره می گیرند (تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۹۵) همچنین خداوند عبارت «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ» بر زبان پیامبر (ص) آورده است منظور از بصیرت همان وحی (قرآن) است (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ۵۵) از نظر رشید رضا نیز قرآن خودش نوعی بصیرت است که نور هدایت و برهان در آن قرار دارد (تفسیر المنار، ج ۱۲، ص ۵۱) از نظر ایشان بصیرت پیامبر (ص) هم از نور آیات قرآن دریافت شده بود (تفسیر المنار، ج ۱۲، ص ۲۳۱)

هر آیه قرآن کریم «بصائر» است، زیرا از جهات فراوانی (علمی و عملی) برای انسان راهگشاست، پس هر کسی یادآور آیات الهی شود، مُبْصِر (با بصیرت) خواهد شد، چون این کتاب نور است: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» و نور به انسان بصیرت می بخشد (تسنیم، ج ۳۱، ص ۶۳۶) همچنین ایمان نیز یکی از راههای کسب بصیرت است ایمان قلب را می گشاید و بصیرت را نورانی می کند گیرندگان و پاسخ دهندگان را در غریزه تحریک می کند و انسان را به هستی متصل می کند (فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۱۱۶۱)

یکی از راههای کسب بصیرت استمداد از خداوند است همچنانکه خداوند در رابطه با گروهی می فرماید «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ» (زمر/ ۲۲) این طایفه دارای نوری از ناحیه پروردگار خویشند

که با آن نور، حق را می‌بینند و سبب دیگرش این است که این طایفه دلی نرم دارند که از پذیرفتن حق، و هر کلام نیکویی که بشنوند سرپیچی نمی‌کنند. شرح صدر برای اسلام، به این معنا خواهد بود که انسان وضعی به خود بگیرد که هر سخن حقی را بپذیرد و آن را رد نکند البته معنای این حرف این نیست که هر سخنی را هر چه باشد کورکورانه بپذیرد، بلکه با بصیرت نسبت به حق و شناختن راه رشد، آن را می‌پذیرد (تفسیرالمیزان، ج ۱۷ ص ۳۸۷)

داشتن تقوا نیز در کسب بصیرت کارآمد باشد؛ ذات اقدس الهی می‌فرماید اگر تقوا پیشه کنید، به شما فرقان می‌دهیم: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» یعنی سنجه و میزانی می‌دهیم که در شناسایی حق و باطل درنمانید (تسنیم، ج ۳۱، ص ۶۱۸). علامه طباطبایی در این رابطه می‌گوید: «فرقان» به معنای چیزی است که میان دو چیز فرق می‌گذارد، و در آیه مورد بحث به قرینه سیاق فرقان میان حق و باطل است. میوه‌های است که از درخت تقوا به دست می‌آید (تفسیرالمیزان، ج ۹ ص ۷۰) همچنین رشید رضا در مورد این آیه معتقد است؛ اگر تقوای خداوند در آنچه که مقتضی دین و شرع و سنن الهی و نظام خلقت است انجام بدهید خداوند به دلیل رعایت تقوا ملکه از علم و حکمت می‌دهد که بتوان با آن حق و باطل را تشخیص داد و بین نفع و ضرر تفصیل قرار داد و بین نور و ظلمت تمیز قائل شد و بین حجه و شبهه بتوان انتخاب کرد این فرقان همان طور که برخی از مفسران قدیمی گفته‌اند همان نور بصیرت است (تفسیر المنار، ج ۹، ص ۶۴۸) یاد و ذکر خداوند نیز یکی از عوامل افزایش بصیرت انسان است زیرا یکی از نتایج تلخ غفلت، که در مباحث پیشین نیز به آن اشاره شد، ناپینایی دل است؛ یعنی همان گونه که اثر یاد خدا بصیرت و بینش دل است، نسیان خدا نیز با کوری همراه است (تسنیم، ج ۳، ص ۵۴۴) سید قطب در مورد تاثیر تقوا در بصیرت آفرینی می‌گوید: تقوا در دل باعث فرقان است راه‌های پر پیچ و خم را برای انسان آشکار می‌کند. اما این حقیقت - مانند تمام حقایق اعتقادی - را فقط کسانی می‌دانند که واقعاً آن را چشیده‌اند! توصیف طعم این حقیقت را به کسانی که آن را نچشیده‌اند نمی‌رساند! کارها در حس و ذهن در هم تنیده می‌مانند. و راه‌ها در نگاه و تفکر در هم تنیده می‌مانند. و باطل بر سر چند راهی می‌ماند! علی‌رغم اینکه استدلال به قوت خود باقی می‌ماند، اما قانع‌کننده نیست و او ساکت است، اما قلب و عقل به او پاسخ نمی‌دهد. بحث بیهوده باقی می‌ماند و بحث تلاشی بیهوده است. اما این تقوا است که با ترس

از خدا و مشاهده او در نهان و آشکار است بین حق و غریزه قرار می گیرد از این رو این فرقان معیار روشننگر بصیرت است. ، سردرگمی را برطرف می کند و راه را آشکار می کند (فی ضلال القرآن، ج ۳ ، ص ۱۴۹۹)

#### نتیجه

این تحقیق با هدف بررسی نیاز انسان معاصر به بصیرت از منظر قرآن و تفاسیر به نتایج زیر دست یافت:

۱. بصیرت یک مفهوم معنوی از نوع ادراک درونی است و دارای مراتبی است که گاه معادل نور، گاه نگاه غیر حسی و یکی از شئون عقل نظری محسوب می شود
۲. بصیرت از طریق علم حصولی به دست نمی آید بلکه موهبتی الهی محسوب می شود که با توجه به آیات الهی و نیروی ایمان انسان می تواند بدان دست یابد.
۳. با توجه به اینکه بصیرت مراتبی دارد و همچنین یک نیروی درونی برای تشخیص راه درست از نادرست محسوب می گردد تمام انسانها دارای مراتبی از آن هستند، بحث مهم در اینجا تقویت و بدست آوردن آن است.
۴. دنیای معاصر دنیایی پیچیده و آمیخته به شبهات است که هر روز از طریق رسانه مسیر های متعدد حق و باطل را بر انسان عرضه می کند در نتیجه انسان بیشتر از هر زمانی به نیروی بصیرت محتاج است.
۵. به منظور تقویت بصیرت از نگاه آیات الهی راههای از جمله تفکر و عبرت از نشانه های الهی، هدایت خاصه خداوند، بهره گیری از کلام خداوند و براهین قرآنی کار گشا است.

#### منابع

##### قرآن کریم

۱. آملی، سید حیدر، (۱۳۶۸ش)، *جامع الاسرار و منبع الانوار*، تهران.
۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵ ش)، *تفسیر تسنیم*، محقق: روح الله رزقی شهرودی، انتشارات تسنیم.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴ ش)، *مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی)*، تهران: مرتضوی.

۴. رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ ق)، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، لبنان - بیروت: دار المعرفة.
۵. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار الکتب العربی.
۶. صابونی، محمد علی (۱۴۲۱ ق)، *صفوة التفاسیر*، بیروت: دار الفکر.
۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱ ش) *تفسیر القرآن الکریم (صدر)*، قم: بیدار.
۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ ش)، *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی .
۹. طبرسی، فضل بن حسن، (بیتا)، *تفسیر مجمع البیان*، تهران: فراهانی.
۱۰. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی
۱۱. قطب، سید، (۱۴۲۵ ق)، *فی ظلال القرآن*، لبنان - بیروت: دار الشروق.
۱۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲ ش)، *دایره المعارف قرآن کریم*، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).